ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
سه شنبه • ۲۲ شهریور ۱۴۰۱
۱۶ صفر ۱۴۴۴ • ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲
شماره ۲۱۰۳۳
۲۲۵۳

اول کباب، دوم کباب سوم هم کباب

گفت‌وگوی اختصاصی با «جونیچی صومی»، کاردار فرهنگی سفارت ژاپن در ایران درباره شباهت‌های فرهنگ ایران و ژاپن و سرگرمی‌هایش در کشورمان

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

میزان شناخت بسیاری از ما ایرانی‌ها از ژاپنی‌ها به همان چیزهایی برمی‌گردد که در سریال تلویزیونی «سال‌های دور از خانه» دیدیم. «جونیچی صومی»، کاردار فرهنگی سفارت ژاپن در گفت‌وگو با ما این موضوع را به‌نوعی تأیید می‌کند و می‌گوید که یکی از رایج‌ترین سوالات ایرانی‌ها در سال‌های حضورش در کشورمان از او درباره «اوشین» و حال‌واحوالش بوده و هست! «صومی جونیچی»، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و فرهنگی سفارت ژاپن در ایران است. این مرد پرانرژی، یک بار سال ۲۰۰۰ میلادی برای یک مأموریت کاری به کشورمان آمد و چهار سال بعد از ایران رفت. او بعد از وقفه‌ای ۱۵ ساله دوباره برای یک مأموریت کاری به کشورمان آمده و تا امروز ماندگار شده‌است. هراز چند گاهی تصاویری از او در حال سفر به شهرهای مختلف ایران و حضور در مراسم ملی و آیینی، در شبکه‌های اجتماعی پربازدید می‌شود. به‌طور مثال، چندوقت پیش یک کاربر توییتری با انتشار عکسی از صومی نوشته بود: «فعال‌تر از دبیر فرهنگی سفارت ژاپن در تهران ندیدم، عاشق ایران و ایرانیه. روز عاشورا رفته امامزاده صالح برای عزاداری. همه جا سرک می‌کشه این آقای صومی پرانرژی و دوست‌داشتنی.» در پرونده امروز زندگی سلام، گفت‌وگویی با او داریم درباره شغلش، نظرش درباره کشور ایران و مردمش، سفرهایش به شهرهای مختلف و حضور در مراسم ایرانی‌ها و... که در ادامه خواهید خواند.

ایران وطن دوم من است

از آقای صومی می‌پرسم که ماجرای آمدنش به ایران چه بوده‌است، می‌گوید: «اولین مأموریت من به ۲۲ سال پیش بازمی‌گردد. به‌طور معمول در وزارت امور خارجه ژاپن به هر دیپلمات یک زبان خارجی تخصصی اختصاص داده می‌شود. برای من زبان فارسی انتخاب شد بنابراین برای خواندن زبان فارسی و پس از آن اشتغال به کار در سفارت ژاپن در ایران، تابستان سال ۲۰۰۰ میلادی به این جا آمدم و تا سال ۲۰۰۴ را هم در ایران سپری کردم. پس از آن در توکیو، کابل، بغداد و نیویورک مشغول به کار شدم و در اکتبر ۲۰۱۹ پس از ۱۵ سال دوباره به ایران، وطن دومم، بازگشتم و از این بابت بسیار خوشحال هستم.» فاصله توکیو و تهران بیش از هفت هزار و ۶۰۰ کیلومتر است و همان‌طور که متوجه شدید، صومی سال ۲۰۰۰ میلادی برای اولین‌بار به ایران سفر می‌کند. از او می‌خواهم که از حس‌وحال اولین روزهای حضورش در ایران برای‌مان بگوید: «خب از زمان اولین ورودم به ایران بیش از ۲۰ سال می‌گذرد اما یادم هست آن موقع با ورود به کشور ایران که درباره آن از قبل مطالعه داشتم، بسیار هیجان‌زده بودم به‌ویژه این که می‌توانستم نه‌تنها زبان بلکه فرهنگ و جامعه مردم این کشور را از نزدیک لمس کنم.»

مسئولیتم شناساندن ارزش‌های فرهنگی متقابل است

از صومی می‌خواهم کمی درباره شغلش و این که دقیقا چه مسئولیتی دارد، توضیح بدهد. سرفصل‌های وظایف یک کاردار فرهنگی چیست؟ پاسخ می‌دهد: «من رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و فرهنگی سفارت ژاپن در ایران هستم. در این مرکز با حضور دیپلمات‌های ژاپنی که به زبان فارسی مسلط‌اند و کارمندان ایرانی که قادر به صحبت کردن به زبان ژاپنی هستند، برای اطلاع‌رسانی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، همکاری‌های اقتصادی و همچنین برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی با هدف درک هرچه عمیق‌تر مردم ایران راجع به ژاپن تلاش می‌کنیم. اگر سری به صفحه اینستاگرام ما به این آدرس «japaniniran@» بزنید، می‌توانید از اطلاع‌رسانی روزانه ما در خصوص موضوعات مختلف سفارت مطلع شوید. البته همه افرادی که این مطلب را می‌خوانند، متوجه می‌شوند که ژاپنی‌ها و ایرانی‌ها، روابط فرهنگی بسیار محکمی دارند و برای توسعه فرهنگ یکدیگر همکاری می‌کنند. رابطه ما برای شناخت ارزش‌های فرهنگی متقابل است؛ به یکدیگر الهام می‌بخشیم و در روابط خود باعث ارتقای یکدیگر هستیم.»

در ژاپن هم غذای ایرانی می‌خورم

کاردار فرهنگی سفارت ژاپن درباره تفاوت طعم‌های غذاهای ایرانی و ژاپنی نظر جالبی دارد: «من سالی دوبار برای تعطیلات به ژاپن برمی‌گردم و همیشه طی این مدت در ژاپن غذاهای ایرانی میل می‌کنم. خیلی‌ها از من می‌پرسند که غذای ایرانی مورد علاقه من چیست؟ باید بگویم که اول از همه کباب کوبیده! دوم هم، کباب کوبیده و باز هم کباب کوبیده! برای من این مسئله بسیار حیاتی و مهم است برای همین سه بار تکرار کردم.» آقای صومی که مرد شوخ‌طبعی به‌نظر می‌رسد، در پاسخ به این سوال که اگر بخواهید شیرینی‌ها و سختی‌های زندگی در ایران را توصیف کنید، چه می‌گویید، پاسخ می‌دهد: «نکته مثبت این است که من می‌توانم روزانه با مردم ایران ارتباط مستقیم داشته باشم و این خیلی خوب است.

نکته منفی هم مشابه همین است؛ من بیش از ۲۰ سال است که هر روز با مردم ایران ارتباط مستقیم دارم اما خارج از شوخی باید بگویم که نکته منفی زندگی در ایران برای من فقط دوری از خانواده‌ام است، فقط همین.» آقای صومی در مدت زندگی‌اش در ایران به شهرهای زیادی از کشورمان سفر کرده‌است. می‌خواهم بدانم قشنگ‌ترین نقاط کشورمان را کجا می‌داند، می‌گوید: «جاهای دیدنی و زیبای ایران بسیار زیاد است اما یزد بیشترین تأثیر را روی من گذاشت. من بیش از ۲۰ سال است که به استان خراسان نرفته‌ام و حتما می‌خواهم مجدد سفری به این استان داشته باشم.»

هنر ایرانی‌ها شگفت‌زده‌ام می‌کند

تصاویر زیادی از حضور صومی در برنامه‌های فرهنگی منتشر شده است. خودش درباره حضور در این مراسم می‌گوید: «به تازگی زیاد به تماشای تئاتر می‌روم. حتی بیش از یک بار فرصتش را داشتم که شخصا در صحنه‌ای کوتاه در تالار وحدت و همچنین در بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی ایران اجراهایی داشته باشم.

هربار که با هنرهای مختلف ایران از جمله تئاتر، فرش ایرانی و دیگر صنایع دستی ایران مواجه می‌شوم، سطح بالای هنری ایرانیان شگفت‌زده‌ام می‌کند. از صومی می‌پرسم که بعد از سال‌ها زندگی در ایران، از شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی بین ایران و ژاپن در حوزه سبک زندگی و خانواده، چه نکاتی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد: «فرهنگ و آداب و رسوم مشترک ژاپن و ایران، نکته‌ای است که از دید من و کارمندان سفارت بسیار مورد توجه است. موارد مشابهی در فرهنگ و آداب و رسوم هر دو کشور وجود دارد که ممکن است منشأ یکسانی داشته باشد؛ مثلا در ژاپن فرهنگ «اوموته‌ناشی» وجود دارد که دقیقا همان فرهنگ «مهمان‌نوازی» ایرانیان است. همچنین «اوتوشی داما» در سال نو؛ در خانواده‌های ایرانی مرسوم است که والدین و بستگان در نوروز پول توجیبی به‌نام «عیدی» به بچه‌ها می‌دهند، در ژاپن هم همین امر صادق است. بچه‌ها در سال نو یا همان «اُوشوگاتسو»، «عیدی» می‌گیرند. در ژاپن هنوز از «کوتاتسو» یا همان کرسی در زمستان استفاده می‌شود و شکل و کاربرد آن کاملا شبیه به «کرسی» در ایران است. شاید فکر کنید که «تعارف» فقط در ایران وجود دارد اما فرهنگ «اِنریو» یا همان تعارف و «شاکوجیری» یا آداب معاشرت در ژاپن هم بسیار رایج است.»

[...]

من سالی ۲ بار برای تعطیلات به ژاپن برمی‌گردم و همیشه طی این مدت در ژاپن غذاهای ایرانی میل می‌کنم. خیلی‌ها از من می‌پرسند که غذای ایرانی مورد علاقه من چیست؟ باید بگویم که اول از همه کباب کوبیده! دوم هم، کباب کوبیده و باز هم کباب کوبیده! برای من این مسئله بسیار حیاتی و مهم است

مردم از من حال اوشین را می‌پرسند

رفتار ایرانی‌ها با یک فرد ژاپنی چطور است؟ صومی می‌گوید: «مردم ایران بسیار خونگرم و صمیمی‌اند و همان‌طور که قبلا گفتم به مهمان‌نوازی معروف هستند. وقتی به آن‌ها می‌گویم که ژاپنی هستم، بسیار استقبال می‌کنند. یک‌سری سوال رایج هم دارند، مثل: «شما چینی هستید؟»، «کره‌ای هستید؟»، «حال اوشین چطور است؟» از بابت این سوالات فکر می‌کنم که ما باید در مرکز اطلاع‌رسانی و فرهنگی سفارت ژاپن تلاش بیشتری برای شناخت ایرانی‌ها راجع به کشور ژاپن و مردم ژاپن داشته باشیم.» صومی در پاسخ به این سوال که برای تفریح در ایران، معمولا سراغ چه گزینه‌هایی می‌رود و اوقات فراغتش را با چه برنامه‌هایی پر می‌کند، خیلی خلاصه پاسخ می‌دهد: «ورزش‌هایی مثل تنیس، اسکی، اسب‌سواری و از همه سرگرمی‌ها مهم‌تر کشیدن قلیان!» رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و فرهنگی سفارت ژاپن، تقریبا هفت سال از عمرش را در ایران سپری کرده است. از او می‌پرسم اگر بخواهد به‌عنوان یک مهمان خارجی ساکن ایران، این کشور را برای مردم کشورش یا دیگر مردم جهان توصیف کند، چه می‌گوید: «ایرانیان ملتی بسیار «گیری نینجُو» یا به فارسی وفادار هستند. درباره کشور ایران باید بگویم که «شنیدن کی بود مانند دیدن»؟ ایران، کشوری است که تا با چشمان خود نبینید، نمی‌توانید آن را درک کنید.» دی ماه ۱۴۰۰، «کازوتوشی ایکاوا»، سفیر ژاپن که به منظور برنامه‌ای سه‌روزه به مشهد سفر کرده‌بود، با حضور در موسسه فرهنگی هنری خراسان از بخش‌های فنی، شهر چاپ و تحریریه روزنامه بازدید کرد. «آیکاوا» در آن دیدار با اشاره به این که بازدید از این موسسه و دیدن فعالیت بخش‌های مختلف آن باعث شگفتی‌اش شد، از خراسان به‌عنوان روزنامه‌ای پیشرو و حرفه‌ای با هدف توجه به خواست و سلیقه مخاطبان نام برد. از صومی می‌پرسم که آیا سفیر ژاپن با شما درباره این روزنامه و بازدیدش صحبت کرده‌است، پاسخ می‌دهد: «آقای «آیکاوا» بعد از بازدید به من گفت که بسیار تحت‌تأثیر فضای پرنشاط و فعال موسسه و روزنامه خراسان قرار گرفته است. من هم امیدوارم در آینده‌ای نزدیک در سفرم به خراسان‌رضوی از دفتر روزنامه شما بازدید کنم.»